

خوی؛ سه ماه پس از زلزله

به امان خدا رها شده‌ایم

پایند میلانی؛ «تنها چیزی که دربارۀ وضع فعلی مسکن زلزله‌زگان می‌توانم بگویم این است که وضعیت اسف‌بار است. کانکس‌ها و چادرها هنوز جمع نشده و مردم هنوز در این شرایط زندگی می‌کنند. البته اینکه اسکان اضطراری تا الان جمع نشده و زندگی مردم هنوز به حالت قبل از زلزله بازنگشته است، زیاد دور از انتظار ما نبود. ترس ما این است که این وضعیت تا سال آینده هم ادامه پیدا کند». این چند خط وضعیت فعلی خوی از زبان یکی از اعضای گروه‌های مردمی است که برای کمک به زلزله‌زگان خوی در این مناطق فعالیت می‌کنند؛ وضعیتی که بیش از سه ماه است ادامه دارد و مشخص نیست تا چه زمانی ادامه خواهد داشت.

وضعیت حاشیه‌شهر اسفبار است

فرمان فرضی، مسئولیت یکی از گروه‌های مردمی را بر عهده دارد که سال‌هاست در امدادرسانی به مناطق زلزله‌زده نقش فعالی دارند. فرضی درباره نحوه شکل‌گیری این گروه که سابقه امدادرسانی در اکثر زلزله‌های ۱۰ سال اخیر کشور را داشته است، می‌گوید: «ما یک گروه مردمی هستیم که از طرف هیچ نهاد یا ارگانی سازمان‌دهی نشده‌ایم. در واقع می‌توان گفت گروه آماتوری بودیم که در دل حوادث پخته شدیم. اولین تجربه من در کمک‌رسانی به مناطق زلزله‌زده در سال ۹۱ در جریان زلزله اهر و ورزقان بود. بعد از آن در زلزله‌های مختلفی که برای کمک رفتم، توانستم با افرادی مانند خود آشنا شوم و یک شبکه بین ما به وجود آمد. کمک‌کم با کمک هم توانستیم تیمی را تشکیل دهیم که این تیم در اکثر زلزله‌های دهه اخیر کشور فعال بوده است.» او درباره بحران اصلی که در حاشیه‌های شهر خوی در جریان است، می‌گوید: وضعیت حاشیه‌نشین‌های شهر خوی اسف‌بار است. کسانی در این مناطق زندگی می‌کنند که حتی توان برداشتن قدم اول را هم ندارند که بتوانند خانه خود را بازسازی کنند. این افراد در وضعیت فقر مطلق به سر می‌برند. او در ادامه می‌گوید: «در روستاها ما با وضعیت بهتری روبه‌رو هستیم؛ چراکه در روستا وضعیت کشت‌وکار بهتر است و در نتیجه وضعیت مالی ساکنان روستا بهتر از حاشیه‌نشینان است. نکته دیگر این است که در روستا بافت فرهنگی و اجتماعی وجود دارد. به این معنا که افراد مراقب یکدیگر هستند، اما در حاشیه‌های شهر این‌طور نیست. در حاشیه شهر بافت فرهنگی و اجتماعی وجود ندارد. در این مناطق ما با صحنه‌های وحشتناک و دردناکی روبه‌رو می‌شویم. انسان‌هایی را می‌بینیم که غرور، عزت‌نفس و شخصیتشان زیر پا له شده است.»

شهر نیمه‌تعطیل است، کارگران بی‌کار

فرضی درباره کمبود کانکس و اختصاص تعداد محدود کانکس‌ها به خانواده‌هایی با شرایط ویژه می‌گوید: «کانکس به‌طور محدود در مناطق زلزله‌زده وجود داشت که این کانکس‌ها را به بیماران سرطانی، دیالیزی و فلج اختصاص دادیم که ممکن است تا یک سال آینده هم همچنان در کانکس ساکن باشند. برای اسکان باقی افراد چیزی جز چادر در دسترس‌مان نبود. از بین افرادی که تحت پوشش ستاد ما بودند، برخی خانه‌هایشان به تعمیر احتیاج داشت که به این افراد در حد توانمان کمک کردیم تا به خانه‌هایشان بازگردند، اما هنوز هم افرادی هستند که در چادر یا کانکس ساکن‌اند.» او درباره وضعیت کسانی که در چادر زندگی می‌کنند، می‌گوید: «عده کثیری از کسانی که در چادر زندگی می‌کردند ازجمله کسانی که از ترس زلزله قوی‌تر در حیاط خانه‌ها چادر زده بودند یا کسانی که در کمپ بودند، مستاجر بودند و مستاجر هم به لحاظ قانونی مشمول وام نمی‌شود و نمی‌تواند وام دریافت کند. برخی از این افراد از ما انتظار دارند که برایشان کار خیره انجام دهیم، اما ما در وضعیتی نیستیم که بتوانیم

charityvahdat.ir
vahdatiha

این - خانه - اگر سبز است - امید - شما می‌دید

مرکز خیریه نگهداری از دختران معلول ذهنی

وحدت

حرفه آموزی و شبانه روزی

آدرس: پاسداران، خیابان شهید افشاری (ساقدوش)، کوچه وحدت، پلاک ۴

حساب تجارت: ۰۰۵۲۳۴۸۶-۳۶۹۲۶۳۱۷

کارت تجارت: ۵۸۵۹۸۳۷۰۰۰۵۲۳۴۸۶

تلفن: ۰۲۱)۲۲۹۴۷۰۱۴-۲۲۹۴۲۱۳۲



این درخواست را برای آنها عملی کنیم». فرمان فرضی در ادامه می‌گوید: «مشکل این افراد حتی با برگرداندن پول ودیعه‌ای هم که بابت اجاره یا رهن خانه داده‌اند، حل نمی‌شود؛ چراکه شهر خوی در حال حاضر به شکل نیمه‌تعطیل درآمده و زندگی هنوز در این شهر عادی نشده است. هنوز مشاغل شروع به کار نکرده‌اند و به همین دلیل خیلی از افراد بعد از گذشت سه ماه از زلزله هنوز درآمدی ندارند که بتوانند با آن جایی را اجاره کنند و هنوز در چادر زندگی می‌کنند.»

اعتماد مردم به سلبریتی‌ها در زلزله کرمانشاه به خاطر عدم گزارش‌دهی آسیب دید

فرمان فرضی می‌گوید گزارش‌دهی مخارج و هزینه کمک‌ها و وظیفه هر ستادی است که در بحران‌ها با کمک‌های مردم فعالیت می‌کند: «ما برخلاف برخی چهره‌های مشهور، حساب‌و‌کتاب تمام کمک‌هایی را که از طرف مردم برای زلزله‌زگان خوی به ستاد ما واریز شد و نحوه خرج‌شدن این کمک‌ها در مناطق زلزله‌زده را مو به مو و جزء به جزء در تلگرام و اینستاگرام منتشر کردیم. مردم هر وقت بخواهند می‌توانند به آن دسترسی داشته باشند. هدفمان از این کار این بود که فرهنگ گزارش‌دهی جا بیفتد. اگر حتی همین الان کسی از من پرسد پول‌هایی که مردم برای کمک فرستادند چه شد؟ کجا هزینه شد؟ من می‌توانم بگویم فهرست تمام هزینه‌هایی که در زلزله خوی از محل کمک‌های مردمی شده، در کانال تلگرامی ما موجود است.» او در ادامه می‌گوید: «نباید این‌طور باشد که چون شرایط بحرانی است، ما ستادهای مردمی فکر کنیم می‌توانیم خودمان را از گزارش‌دهی معاف کنیم. نه فقط ستادها و مراکز دریافت کمک‌های مردمی، بلکه گاهی مواقع لازم است حتی حاکمیت هم درباره هزینه‌ها و درآمدها به مردم گزارش دهد». فرضی درباره تأثیر این نوع گزارش‌دهی در افزایش اعتماد عمومی می‌گوید: «طبق چیزی که من در برخورد با مردم دیدم، این شیوه گزارش‌دهی باعث ایجاد اعتماد عمومی هم می‌شود. اعتماد عمومی مردم به خاطر اشتباهاتی که برخی چهره‌های سرشناس در بحران‌های پیشین انجام دادند، آسیب دیده بود، اما بر اساس مشاهداتم می‌توانم بگویم این آسیب در زلزله خوی تا حدودی ترمیم شد.» او درباره نابلدی برخی چهره‌های مشهور که در زلزله کرمانشاه باعث بی‌اعتمادی مردم شدند، می‌گوید: «گروه ما در زلزله کرمانشاه هم فعال بود. در زلزله کرمانشاه برخی کسانی که برای کمک آمده بودند، یک‌سری افراد خودمجور و خودرای بودند که نه یک صفحه مطلب درباره بحران و زلزله خوانده بودند و نه حاضر بودند از تجربیات افراد باتجربه‌تر از خود استفاده کنند. این افراد یک‌سری تصورات کارتونی و فانتزی از بحران داشتند و همین موضوع به اعتماد عموم مردم به چهره‌های سرشناس و نهادهای مردمی لطمه زد. این خوشبینانه‌ترین حالت سوءاستفاده از اعتماد مردم بود. در حالت بدبینانه‌تر بسیاری از پول‌هایی که مردم برای کمک به زلزله‌زگان کرمانشاه به حساب‌های چهره‌های مشهور و معروف ریختند، حیف‌و‌مویل شد.»

فرمان فرضی در تشریح وضعیت خوی پس از زلزله می‌گوید: «ما در زلزله خوی با طیف‌های مختلفی روبه‌رو هستیم. طیفی هستند که وضعیت مالی خوبی دارند و از قشر مرفه خوی محسوب می‌شوند. تعداد زیادی از این افراد از ابتدای زلزله خانه و زندگی خود را جمع کرده‌اند و از شهر خوی به شهرهایی مثل تبریز، ارومیه و تهران رفته‌اند و خیلی از این افراد هنوز هم بازنگشته‌اند.» او ادامه می‌دهد: «این افراد از نظر مالی تأمین بوده‌اند که توانسته‌اند از شهر بروند. در نقطه مقابل این قشر ما با افرادی مواجه هستیم که مسافرش بوده‌اند، کارگر ساختمانی بوده‌اند و در حال حاضر هیچ درآمدی ندارند؛ چون شهر به حالت نیمه‌تعطیل درآمده است. هیچ بسته حمایتی مشخصی هم از طرف هیچ ارگانی برای این قشر تعیین نشده است. اینها به معنی واقعی کلمه «ول» شده‌اند». فرضی ضعیف‌ترین قشر در مناطق زلزله‌زده خوی را مستاجران می‌داند و در این‌باره می‌گوید: «مشکل بزرگ ما این است که طیفی عظیم از مستاجران هیچ متولی قانونی ندارند. هیچ فردی نیست بگوید مسئولیت شما با من است یا مثلا شما بیاید پرونده تشکیل دهید تا به مشکلات رسیدگی شود. تعداد زیادی از کسانی که قبل از زلزله مستاجر بوده‌اند الان بی‌خانمان شده‌اند و در چادر زندگی می‌کنند و معلوم هم نیست این وضع تا کجا ادامه پیدا می‌کند.» او می‌گوید: «تنها چیزی که درباره وضع فعلی مسکن زلزله‌زگان می‌توانم بگویم این است که وضعیت اسف‌بار است. ما با انسان‌هایی مواجه هستیم که تقریبا هیچ متولی‌ای ندارند. وضعیت مردم مناطق زلزله‌زده و مسؤلان را با یک مثال می‌توانم توضیح دهم. در نظر بگیرید در یک خانه لوله آب ترکیده ولی اعضای خانواده سعی می‌کنند این مشکل را نادیده بگیرند. وضعیت مناطق زلزله‌زده خوی هم دقیقا همین‌طور است.»

صحنه‌هایی می‌بینیم که از بازگوکردنش هم شرم داریم

فرضی با تشریح حاشیه‌های مناطق زلزله‌زده خوی می‌گوید: «ما با صحنه‌هایی مواجه هستیم که شرم داریم حتی بازگو کنیم. صحنه‌هایی می‌بینیم که واقعا دلمان به درد می‌آید. مثلا از طریق دو نفر از شهروندان گزارشی درباره خانواده‌ای در شهرک ولیعصر خوی دریافت کردیم. وقتی برای کمک رفتیم، دیدیم که این خانواده در خانه خود به معنای واقعی کلمه هیچ چیزی برای خوردن ندارند.» او در ادامه می‌گوید: «به‌اصطلاح که مثلا وقتی در خانه برنج تمام شود می‌گویم هیچ چیز نداریم، عرض نمی‌کنم؛ به معنی واقعی حتی یک تخم‌مرغ یا نیم‌کیلو پنیر در آن خانه نبود. در این خانه هیچ چیزی برای خوردن وجود نداشت. ما مجبور شدیم برای این خانواده با وجود اینکه بیمار سرطانی نداشتند، استثنائا یک کانکس تهیه کنیم. یا خانواده‌ای بودند که شوهر در زندان بود و مادر خانواده با چند بچه بعد از زلزله تنها مانده بود که این خانواده را نیز به خانه امن فرستادیم. خشونت‌هایی در این مناطق می‌بینیم که از بازگوکردنش واهمه داریم؛ به دلیل اینکه می‌ترسیم بعدا برای فعالیت‌هایمان در مناطق زلزله‌زده حاشیه ایجاد کند.» فرمان فرضی در پایان از مسئولان می‌خواهد وضعیت خوی در اولویت رسیدگی آنها قرار بگیرد: «در مناطق حاشیه‌نشین شهر زلزله‌زده خوی، ما با طیف عظیمی از انسان‌هایی روبه‌رو هستیم که نه متولی دارند و نه امیدی. این افراد بی‌پناه به معنی واقعی کلمه هستند. انسان از دیدن این همه بدبختی احساس عجز و شرمندگی می‌کند، اما چه کاری از دست ما برمی‌آید؟ من و خیلی از اعضای ستاد ما علاوه بر توان فردی که برای کمک به زلزله‌زده‌ها گذاشتیم، از توان مالی خود نیز هزینه کردیم- و از نظر عاطفی نیز درگیر شدیم. اما باز هم هیچ‌کدام از اینها کافی نیست و وضعیت اسکان در حال حاضر در خوی اسف‌بار است. من از مسئولان می‌خواهم هرچه زودتر فکری به حال این وضعیت بکنند.»

گزارش

دادستان به ماجرای آرات حسینی ورود کند

اله جعفرزاده، خبرآتلاین؛ آرات حسینی، کودک ۱۰ساله‌ای که با اصرار و اجبار پدرش خیلی زود وارد دنیای ورزش حرفه‌ای شد، با چالش‌های زیادی در این مسیر دست‌وپنجه نرم کرده و می‌کند.
اواخر سال ۱۴۰۱، باشگاه سپاهان با انتشار تصویری از این کودک ورزشکار، خبر داد آرات از این پس در آکادمی سپاهان به فعالیت می‌پردازد؛ اما با گذشت دو ماه از این اتفاق، ظاهرا این همکاری میان باشگاه و خانواده آرات به خوبی پیش نرفته و طرفین به توافق نرسیده‌اند.
روز دوشنبه ۱۸ اردیبهشت نیز پدر آرات در صفحه اینستاگرام خود، پایان حضور پسرش در این باشگاه را اعلام کرد.

در پی این قطع همکاری، مسئولان باشگاه سپاهان درخصوص سلامت جسمی و روانی این کودک هشدار دادند: «در مدتی که آرات اینجا بود، مشاوره‌های مختلفی انجام دادیم و متوجه شدیم این بچه بسیار تحت فشار است و احتمال ایجاد خطر برای او و باشگاه وجود دارد. وقتی آرات سر تمرین می‌آمد، می‌دیدیم که دست روی سینه‌اش می‌گذارد؛ به نظر می‌رسید خسته است و تحت فشار تمرینی سنگین بوده است. با فشارهایی که به آرات آمده، صفحات رشد او بسته شده است. آرات بچگی و بازیگوشی نکرده و از نظر ذهنی با همه بچه‌ها کاملا متفاوت است.»

محمدمعلی بصیریان، مدیر آکادمی سپاهان، همچنین با اشاره به اینکه «پدر آرات به پسرش نگاه بیزنس‌ی دارد»، گفته است: «باشگاه دستمزد و مبلغ درخواستی مورد نظر پدر آرات را از جنبه حمایتی خارج می‌داند. ما معتقدیم این مبلغ بیسنهادهای جنبه بیزنس‌ی داشته و مشخص است پدر نگاه بیزنس‌ی به فرزند خود دارد. این بچه پاک و معصوم و سالم جز ورزش چیزی نمی‌خواهد، ولی از او استفاده ابزاری می‌شود.»

در همین زمینه دکتر حسن کیا، حقوق‌دان و وکیل پایه‌یک دادگستری، در گفت‌وگو با خبرآتلاین اظهار کرد: «درصورتی‌که ثابت شود ولی قهری نسبت به کودک خود به هر دلیلی مصلحت را رعایت نکرده، عزل خواهد شد و دادگاه یک فرد صالح و شایسته را جایگزین آن خواهد کرد. این مسئله در مورد آرات و پدرش که رابطه آنها رابطه طفل و ولی تلقی می‌شود نیز صدق می‌کند. قانون‌گذار رفتار خلاف قانون ولی نسبت به طفل را جرم‌انگاری کرده و برای این امر مجازات در نظر گرفته است. بهره‌کشی اقتصادی، ممانعت از تحصیل، اعمال فشار و اجبار برای انجام عملی خارج از عرف، انتشار تصاویر مستهجن از کودک یا اموری از این دست، مجازات در بر دارد.»



● با توجه به شرایط موجود برای آرات و فشاری که از جانب پدر بر او وارد است، از منظر قانونی آیا این امکان وجود دارد که نهاد یا اشخاصی وارد عمل شوند و بتوانند این اختیارات را از پدر سلب کنند؟

به‌طور کلی اطفال و کسانی که به سن بلوغ نرسیده‌اند، تحت ولایت قهری پدر یا جد پدری قرار دارند که این اصل هم در فقه ما و هم در قانون مدنی ما حاکم است. در گذشته کار ولی قهری مصلحت طفل را رعایت نمی‌کرد، ضمّ امین صورت می‌گرفت؛ یعنی دادگاه، مشخصی را تحت عنوان امین، جهت اداره اموال و دیگر امور فرد محجور، به ولی قهری ضمیمه می‌کرد و امکان عزل ولی قهری در قانون مدنی پیش‌بینی نشده بود. اما بعدها به واسطه اصلاحاتی که در سال ۱۳۷۹ در قانون مدنی صورت گرفت، برای نخستین بار امکان عزل ولی قهری نیز پیش‌بینی شد که بر اساس آن می‌توان ولی قهری (پدر) را از ولایت و سرپرستی عزل کرد. این اصلاح، گامی رو به جلو است؛ چراکه اگر ولی قهری نسبت به کودک خود به هر دلیلی (از لحاظ حقوقی، مالی، تعلیم و تربیت یا ارتکاب جرمی در حق فرزند) مصلحت را رعایت نکند و امکان اثبات فراهم باشد، ولی قهری برکنار خواهد شد و دادگاه یک فرد صالح و شایسته را جایگزین او خواهد کرد.

در این قانون بسیاری از کزرفتاری‌هایی که توسط والدین یا اشخاص ثالث ممکن است در قبال اطفال صورت بگیرد، نظیر بی‌توجهی و سهل‌انگاری در وظایفی که ولی نسبت به طفل دارد و سوءرفتارهایی که سلامت جسمی، روانی یا اجتماعی طفل و نوجوان را در معرض خطر قرار می‌دهد، غیرقانونی است. مورد دیگری که در این قانون به آن اشاره شده، «بهره‌کشی اقتصادی» است که به زعم من این اصل در مورد فوق‌الذکر (آرات) هم وجود دارد. بهره‌کشی اقتصادی یعنی به‌کارگیری طفل/نوجوان، یا اجبار و واگذاری کاری که از لحاظ جسمی، روانی یا اجتماعی برای وضعیت طفل مضر و خطرآفرین باشد. هرگونه معامله طفل در قبال دریافت وجه یا امتیاز نیز غیرقانونی است. علاوه بر این، بحث فحشا، تهیه تصاویر مستهجن از طفل، مثل عکس‌های نیمه‌برهنه‌ای که پدر آرات به منظور نشان‌دادن آمادگی بدنی این کودک در صفحه اینستاگرامش از او منتشر کرده است نیز مطرح است.

● آیا وقوع چنین اقداماتی جرم محسوب می‌شود و مجازاتی برای آن تعیین شده است؟
بله، قانون این موارد را جرم‌انگاری کرده و قانون‌گذار برای سوءرفتارهایی نظیر بهره‌کشی اقتصادی، انتشار تصاویر مستهجن از کودک یا اموری از این دست، مجازات تعزیری درجه شش (حبس) را تعیین کرده است. طبق ماده ۷ این قانون، هم والدین و هم غیروالدین (معلم، پرستار و…) که مسئولیت تربیت و نگهداری طفل را دارند، در صورت ارتکاب این جرائم مشمول این جزا هستند. مورد قابل توجه در قانون مذکور این است که اگر شخصی شاهد این بدرفتاری‌ها از جانب والدین نسبت به طفل باشد، موظف به گزارش و اعلام به مراجع قانونی است و در غیر این صورت مجازات خواهد شد. این جزه معدود قوانینی است که برای فردی که اعلام برهکاری نکند هم مجازات در نظر گرفته شده است.

نامه اعضای شیفت شب کتابخانه ملی به رئیس جمهور

مسیر مطالعه و تحقیقات پژوهشگران و نخبگان به وجود آورده است. هر چند در همان ابتدای تعطیلی شیفت شب کتابخانه ملی به دلیل اهمیت روزافزون رشد علمی و پژوهش مخالف این تعطیلی بودیم اما با اعتماد به صداقت مدیران محترم کتابخانه با این تصمیم نادرست همراهی کردیم. اکنون تلخ‌کامانه دریافته‌ایم کمبود منابع انرژی و مصرف بهینه‌ گاز تنها بهانه‌ای برای توقف خدمات شبانه‌روزی کتابخانه ملی بوده و مدیران کتابخانه ملی توانایی در پرداخت هزینه‌های ناچیز آن را دلیل این امر عنوان می‌نمایند. قانون‌گذار، به دلیل اهمیت جایگاه کتابخانه ملی به‌درستی ریاست عالیه آن را بر عهده رئیس‌جمهور قرار داده تا هرگز مرکزی به این مهمی در چنین جایگاه نازلی قرار نگیرد که برای ارائه خدمات برجسته خود، مانند خدمات شبانه‌روزی، محاسم، اقتصادی نماید. ما جمعی از اعضای کتابخانه ملی ایران پس از ناامیدی از نتیجه‌بخش بودن پیگیری‌های مکررمان از مدیران محترم کتابخانه، از جناب‌عالی به عنوان رئیس عالی کتابخانه ملی ایران تقاضا داریم با توجه به اهمیت جایگاه علم و پژوهش در رشد و اعتلای کشورمان دستور فرمایید ضمن تأمین اعتبار مناسب برای حل مشکلات شدید مالی کتابخانه ملی ایران نسبت به تداوم ارائه خدمات شبانه‌روزی کتابخانه ملی که مایه افتخار و مباهات هر ایرانی است، اقدام فوری صورت پذیرد.

با سپاس و احترام جمعی از اعضای کتابخانه ملی ایران، فروردین ماه ۱۴۰۲